

نام خانوادگی: شجاعی مقدم

نام: منصوره

استاد راهنما: آقای محمد علی ملکی

عنوان مقاله: ارزش «صبر و استقامت» در قرآن و سنت، آثار و پیامدهای فردی و اجتماعی آن

کلید واژه ها: صبر، مظلوم، صبر جمیل، مصیبت، جزع و بی‌تابی
صبر: به معنای مقاومت و استقامت عملی و شجاعت و دوری از هرگونه ضعف و تزلزل است.
مظلوم: کسی است که مورد ظلم واقع شده است.
صبر جمیل: صبری که همراه با شکیوه نباشد.
مصیبت: حوادث سخت و ناگواری که بر انسان وارد می شود.
جزع و بی‌تابی: عدم صبر در حوادث سخت و ناگوار.

چکیده:

این تحقیق با عنوان ارزش «صبر و استقامت» در قرآن و سنت، آثار و پیامدهای فردی و اجتماعی آن است.

با هدف شناخت صبر و آثار و پاداش صابران و کسانی که می توانند الگویی برای صبر باشند. نوشته شده است.

در آن به قسمی از اقسام صبر اشاره و سعی شده که با استفاده از آیات و روایات و با زبانی ساده بیان شود، تا همه افراد جامعه از هر قشری بتوانند آشنایی مختصری با این صفت حسنه پیدا کنند.

مقدمه:

صد هزاران کیمیا مق آفرید کیمیای همپو صبر آدم ندید

صبر و استقامت از شرایط ضروری و مهم دست یافتن به مقاصد بزرگ است. انسانهای خود ساخته موانع بزرگ را با صبر و پایداری از سر راه خویش برمی دارند و به واسطه این همت خویش به مدارج والای انسانی دست می یابند. در این راه به خاطر عشق به مولای خویش سختی ها و رنج ها را متحمل می شوند و نه شکوه و نه شکایتی پیش خلق نمی برند.

بدین وسیله به آرزوی دیرین خود که همان رضای حضرت دوست می باشند خواهند رسید. آنان می دانند که همه ی تلخی ها و رنج هایی که بر اثر صبر متحمل شده اند به لذت های گوارای روحی تبدیل خواهد شد، آنچنان که امیرالمؤمنان علی علیه السلام در این باره می فرماید:

«مراره الصبر تذهبها حلاوة الظفر»^۱

تلخی صبر را شیرینی پیروزی از بین می برد. و نیز آنان معتقدند که برای دست یابی به این هدف باید کلید آن را که صبر است در اختیار داشته باشند.

امام حسن مجتبی علیه السلام در این رابطه می فرماید:

«فَلَسْتُمْ أَيُّهَا النَّاسُ نَائِلِينَ مَا تَحِبُّونَ إِلَّا بِالصَّبْرِ عَلَى مَا تَكْرَهُونَ»^۲

«ای انسان ها آن چه را که دوست دارید بدان نخواهید رسید مگر به وسیله صبر و پایداری بر آن چه از آن کراهت دارید.» برای رسیدن به مقام صابران و رضای دوست باید که صبر را شناخت و باید دانست که صبوری چگونه است.

من این مقاله را با هدف آشنایی با این صفت حمیده و به امید اینکه اولاً ترقیبی باشد برای خودم و نیز به امید آگاهی دیگران تهیه نموده ام که ان شاء الله راهنمایی باشد برای خود من.

^۱ - علی بن محمد اللیثی الواسطی، عیون الحکم و المواعظ، بی تا، بی جا، ص ۴۸۹

^۲ - محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، دارالکتاب اسلامی، ۱۳۶۳، ج ۴۴، ص ۵۰

ارزش «صبر و استقامت» در قرآن و سنت، آثار و پیامدهای فردی و اجتماعی آن

معنای لغوی صبر، خودداری در تنگی و سختی است و نیز خودداری از آنچه مقتضای عقل و شرع است.^۱

و با این تعریف صبر به معنی تحمل بدبختی ها و تن دادن به هر نوع ذلت و دست روی دست نهادن و تسلیم شدن نیست.

بلکه صبر به معنای مقاومت قلبی و استقامت عملی و شجاعت و دوری از هر گونه ضعف و تزلزل است.

و اتفاقاً در لغت آمده که: «صَبَرَ عَلَى الْأَمْرِ وَ شَجَعَ وَ تَجَلَّدَ»^۲

«صبر بر چیزی به معنی جرأت و شجاعت و ایستادگی و شکست ناپذیری در آن چیز است».

این خصلت و صفت پسندیده نیز مانند دیگر واژه های مقدس مورد تهاجم و تحریف واقع شده است.

و غرض از تحریف دشمنان و سوء استفاده گران به استعمار و استثمار کشاندن انسانها است تا بدین وسیله به آرمانهای شوم خویش، جامه عمل پوشانند.

آنها می گویند: اسلام به مردم دستور به صبر می دهد و صبر یعنی این که اگر کسی به طرف راست صورت شما سیلی زد، طرف چپ را نیز تقدیم او کن تا سیلی بزند.

و از این عبارت نتیجه می گیرند که اسلام به مردن امر می نماید که در مقابل ظلم و ظالم ساکت باشند، لب فرو بندند و زبان به اعتراض نگشایند و کاری به دنیا طلبان نداشته باشند، بگذارند دنیا طلبان هر آنچه خواهند بکنند، صبر نمائید که صبر نصف ایمان است.

اینان می خواهند که با این تحریف هم به مقاصد سوء خود برسند و هم چهره اسلام را وارونه نشان دهند، اسلامی خشک و خالی که نمی تواند جامعه ی بشری را هدایت نماید.

ما در اینجا به طور مختصر ضمن آیات و روایاتی بطلان این حرف آنها را ثابت خواهیم کرد.

ادله بطلان تحریف:

بطلان این تحریف احتیاج به جواب ندارد، بلکه هر انسان منصف و با وجدانی با نگاه مختصر به احکام اسلام پوچی و توخالی بودن این تحریف را درک خواهد کرد.

^۱ - راغب اصفهانی، مفردات راغب، ۱۴۰۴ق، واژه صبر، ص ۲۷۳

^۲ - المنجد في اللغة، ص ۴۱

ما در اینجا با استناد، از آیاتی چند از کلام دوست نادرستی این مدعا را ثابت خواهیم کرد.

الف: هجرت از محیط ظلم:

﴿إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّيْتُمُ الْمَلَائِكَةَ ظَالِمِينَ أُنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا، إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الْجِبَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانَ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا﴾^۱

«به درستی آنان که جان ستانیدند از ایشان فرشتگان، در حالتی از ستمکاران بودند بر نفس خودشان به ترک هجرت و در آن صورت هجرت از محیط ظلم و نجات دادن خود از محیط ظلم واجب بود، گفتند ملائکه از روی توبیخ مر ایشان را که در چه چیز بودید از کار دین خود و با کدام طایفه بودید؟»

با استفاده از این آیه، مسلمانانی که در حال حاضر، در جهان مظلوم واقع شده اند ولی در مقابل ظلم و ظالم و استعمارگر و استثمار کننده نمی خروشدند، با این که راه چاره ندارند معذب به عذاب الهی خواهند بود.

ب: مظلوم باید فریاد بزند.

کسی که در معرض ظلم و ستم دیگران قرار گرفته باید از حق خود دفاع نماید و در این مواقع صبور بودن یا صبر کردن سودی نخواهد بخشید.

علی علیه السلام در این باره می فرماید:

«رُدُّوا الْحَجْرُ مِنْ حَيْثُ جَاءَ فَإِنَّ الشَّرَّ لَا يَدْفَعُهُ إِلَّا الشَّرُّ»^۲

«سنگ را به جایی که آمده برگردانید (بدی را بمانند خود کیفر دهید تا جایی که از حدود تجاوز نکرده و برخلاف دستور دین نباشد) زیرا شرّ و بدی را جز شرّ از بین نبرد.»

ج: قتال برای نجات مظلومان

قرآن نه تنها به کسانی که زیر بار ظلم قرار گرفتند امر می نماید که خودشان را از زیر بار ظلم بیورند و نه تنها مسلمانان نباید زیر بار ظلم بروند، بلکه بر مسلمانان واجب است که برای نجات مظلومان و مستضعفان بکوشند و قتال نمایند.^۳

آیات و روایات متعددی وجود دارد که همه‌ی آنان نادرستی این تحریف رابه اثبات می رساند که در این مقاله بیش از این جای برای پرداختن به آنها نیست.

۱ - نساء/۹۸-۹۷

۲ - فیض الاسلام، نهج البلاغه، ص ۱۲۳، حکمت ۳۰۶

۳ - مضمون آیه ۷۴ سوره نساء

سه جواب دیگر:

۱- جواب دیگری را که می توانیم برای اثبات بطلان تحریف معنای صبر اقامه نمائیم، این است که اگر صبر به معنای سکوت در مقابل ظلمو ظالم باشد چه ارزشی داشت که خداوند به آن اینقدر عظمت دهد و برای آن اجر بی حساب قرار دهد.^۱ و پیامبر آن را نصف یا تمام ایمان بشمارد.

۲- اگر صبر به معنای سازش با ستمگر می بود، چرا قرآن صبر را از عوامل پیروزی می داند؟ چون وقتی که صبر به معنای سکوت در مقابل ظلم باشد این جز سرشکستگی چیز دیگری نخواهد داشت.

۳- اگر صبر به معنایی باشد که آن ها می گویند، پیامبر و ائمه ما که از همه ی ما عالمتر به احکام اسلام بودند شایسته تر بود که آن ها مقام صبر را کسب نمایند و در مقابل ظلم و ظالم به مقام رفیع شهادت نائل آیند.

پس با ملاحظه ی این همه تأکیدی که درباره ظلم و مبارزه با ظالم شده است کدام وجدانی است که قبول کند، که اسلام سازش با ستمگران را امضاء کرده است. خداوند در قرآن بیش از ۱۰۳ بار کلمه صبر و مشتقاتش را می آورد و این نشانگر اهمیت این خصلت پسندیده می باشد.

در جایی می فرماید: ﴿وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ﴾^۲

و در جایی دیگر پاداش عظیمی به صبرکنندگان وعده می دهد چرا که هر کار نیکی بدون صبر و استقامت به طور کامل تحقق نمی یابد و بروز گناهان و فسادها بر اثر نبودن این خصلت است.

در جایی دیگر نتیجه صبر را بیان می دارد تا ترقیبی باشد برای آدمی در کسب این خصلت و در این باره می فرماید:

﴿سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ﴾^۳

«و به آن ها می گویند: سلام بر شما به خاطر صبر و استقامتتان، چه پایان خوب این سرا نصیبتان شد!»

و بعد از ترقیب آدمی به کسب این خصات بیان می دارد که:

﴿فَصَبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا﴾^۴ «بنابراین صبر جمیل پیشه کن»

۱ - يُرِيدُونَ أَن يُتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَن يَكْفُرُوا بِهِ (نساء/۶۰)

۲ - از صبر و نماز کمک بجوئید. (بقره ۴۵ و ۱۵۵)

۳ - رعد/۲۴

۴ - معارج/۵

و برای ما الگوهای از صبر را در کلامش بیان می دارد تا با تمسک به آن مصداق «صَبْرًا جَمِيلًا» واقع شویم. و در این رابطه داستانهای زیبا و شگفت انگیزی از انبیاء و اولیاء بیان می دارد، تا الگوی رفتاری باشند در این طریق.

آنجا که داستان ایوب و صبرش را بیان می دارد و می فرماید:

﴿وَإِيُوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ﴿۱﴾ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَلَمَّا مَنَّا بِهِ مِنْ ضُرِّ وَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَذِكْرَىٰ لِلْعَابِدِينَ﴾^۱

نکته‌ی بسیار قابل توجهی که در این دو آیه وجود دارد این است که حضرت ایوب در مقام دعا و نیایش، از خداوند چیز معینی درخواست نمی کند و فقط به عرض حال خوی به درگاه خداوند و یاد او باصفت «الرحم الراحمین» اکتفا می کند.

حال ممکن است این سؤال پیش آید که این صبر که قرآن بر آن تأکید دارد چگونه صبری است و چگونه می شود که مصداق «صَبْرًا جَمِيلًا» واقع شود.

و ما با تمسک به کدام پیامبر و ائمه اطهار (علیهم السلام) برا یاین سؤال ها پاسخ خواهیم آورد. امام علی (علیه السلام) در این باره می فرماید:

«الصَّبْرُ إِنَّ يَحْتَمِلَ الرَّجُلُ مَا يَتَوَبَّهُ، وَمَا يَكْظِمُ مَا يُغْضِبُهُ»^۲

صبر آن است که مرد گرفتاری و مصیبتی را که بر او می رسد تحمل کند، و خشم خود را فرو می خورد.

و نیز پیامبر خدا «صلی الله علیه وآله وسلم» می فرماید:

«الصَّبْرُ رِضًا»^۳ «صبر خرسندی است»

در کلام ائمه اطهار (علیهم السلام) که قرآن بر آن تأکید دارد معنا می شود.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

«فَصَبْرٌ جَمِيلٌ - بِلَا شَكْوَى»^۴ صبر جمیل، صبری که همراه باشکوه نباشد.

صبر خود دارای اقسامی است که قسم های صبر را می توان از دیدگاه اهل بیت مورد

بررسی قرار داد چنان که حضرت علی (علیه السلام) می فرماید:

«الصَّبْرُ صَبْرَانِ: صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ حَسَنٌ جَمِيلٌ، وَ أَحْسَنُ مِنْ ذَلِكَ الصَّبْرُ عِنْدَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ

عَزَّوَجَلَّ عَلَيْكَ»^۱

^۱ - انبیاء/۸۴-۸۳

^۲ - عبدالواحد آمدی، غررالحکم، محمد علی انصاری، قرآن، چاپ هشتم، ۱۳۷۸، ح ۱۸۷۴

^۳ - حام الدین هندی، کتوالعمال، مؤسسه آل البیت، ج ۳، ص ۶۴

^۴ - بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۷ و ۳۸

«صبر بر دو گونه است: صبر در برابر مصیبت که نیکو و زیباست و نیکوتر از آن صبر در خودداری از چیزهایی است که خدای عزوجل بر تو حرام کرده است.»
همچنین دیگر اهل بیت «علیهم السلام» درباره اقسام صبر سخنان با ارزشی فرموده اند که در این مقام نمی گنجد.

اما نتیجه ای که از بررسی آیات و روایات به دست می آید این است که صبر و استقامت مفهوم بسیار وسیعی دارد که در مجموع می توان آن را به هفت شایه تقسیم کرد.

۱- صبر در میدان جنگ

۲- صبر در برابر مصائب و گرفتاریها

۳- صبر در برابر مشکلات، دردها، رنجها و بلاها

۴- صبر در برابر گناه و ارتکاب معاصی

۵- صبر در راستای نعمت و فراوانی آن

۶- صبر در اطاعت و انجام تکلیف

۷- صبر در اثبات حق در برابر باطل

هر کدام از این ها دارای مراحل و درجاتی می باشد اما پیروزی کامل نصیب آن کسی خواهد شد که به درجات عالی صبر و استقامت دست یافته باشد.

یکی از انواع صبر، صبر در مصیبت و صبر در حوادث مشکل و ناگوار می باشد که عکس العمل مردم در مقابل مشکلات متفاوت می باشد. بعضی در برابر حوادث مشکل و ناگوار، راه صبر را پیش گرفته و با صبر خود مصائب و بلاها را بر خود نعمت می کنند.

بعضی هم راه جزع و بی صبری را در پیش گرفته و با این انتخاب علاوه بر مصیبتی که بر آنها وارد گشته مصیبت عظمای دیگر را بر خود وارد می کنند.

گروه اول: یعنی آنان که صبر را پیشه خود می کنند از نظر مقام و درجه و ارزش در یک حد مساوی قرار ندارند. و علتش نیز این است که صبر را درجات و مقاماتی است که عده ای به درجه و مقام اول رسیده و به آن اکتفا می کنند و افرادی دیگر از مقام اول تجاوز کرده به مقام دوم و سوم نائل می شوند که اجر و مزد افرادی که در مقام اولند هرگز برابر نخواهد بود با اجر و مزد کسانی که در مقام دوم و سوم به سر می برند.

با توجه به تفاوت مقام و درجه صابران می توان عکس العمل مردم را به چهار دسته تقسیم کرد.

۱- جزع و بی تابی ۲- صبر تائبان ۳- صبر زاهدان ۴- صبر صدیقان

باید متذکر شد که جزوع بعد از مدتی از جزع و جیغ و داد کردن خود دست برمی‌دارد و صابر می‌شود با این بیان، چقدر خوب است که جزوع از همان اول دست از جزع بردارد تا از آن همه فیوضات محروم نگردد و به آن هم عقوبات و مفسد دچار نگردد. عاقل از همان اول صبر می‌کند، ولی جاهل بعد از مدتی ناچاراً رو به سوی صبر می‌آورد و خود به خود صابر گردد ولی این صبر چه ارزشی دارد. چرا عاقل کند کاری که بازآید پشیمانی.

بعضی از مردم در مقابل بلیه ای که بدان گرفتار شدند فریاد نمی‌زنند و نزد این آن شکایت نمی‌کنند. ولی راضی به آن مصیبت و بلا نیستند و این صبر تائبان می‌باشد که از نظر ثواب و فضیلت پایین‌ترین مقام را دارد.

باید به این مسئله توجه داشت که صبر نیز مانند دیگر خصلت‌های پسندیده انسانی دارای آفاتی می‌باشد.

که می‌توان این آفات را اینگونه برشمرد:

۱- شتابزدگی ۲- خشم ۳- افسردگی و ناامیدی

«انسان طبیعتاً شتاب زده است.»: ﴿حُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ...﴾^۱

بنابراین وقتی ترتیب دل خواهش به سرعت میسر نمی‌گردد، جام صبرش لبریز می‌شود، و دیگر نمی‌تواند طاقت بیاورد و در آن حال فراموش می‌کند که جهان آفرینش ترتیبات و نظاماتی دیگر دارد خداوند در قرآن کریم در این مورد خطاب به پیامبر اکرم «صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» می‌فرماید:

﴿فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ...﴾^۲

«پس صبر کن آنگونه که پیامبران اوالعزم صبر کردند، و برای آنان شتاب مکن...» خداوند بلافاصله بعد از امر به صبر، از لا استعجال» نهی کرده و شتاب زدگی را در شأن پیغمبر ندانسته است.

و نیز وقتی که انسان خشمگین می‌شود، دیگر ارزش صبر و روش شکیبایی و شیکوهی بردباری را فراموش می‌کند.

قرآن در این باره به قصه حضرت یونس و بی صبریش در هدایت مردم شهر نینوا اشاره می‌کند، که چگونه خشم او باعث شد از ورطه صبوری خارج شود و در تنگنای حلقوم ماهی وارد شود که سرانجام در ژرفای آن ظلمات و تاریکی شکم ماهی، به اشتباه خود پی برد و روی به درگاه خداوند کرد و گفت:

۱ - انبیاء/۳۷

۲ - احقاف/۳۵

﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾^۱

انسانی که می خواهد نیروی صبر و مقاومت خود را از دست ندهد باید که بی حوصلگی و غصه خوردن و دلتنگی و افسردگی را از خود برهاند، زیرا که اینها با صبر و مقاومت سازگار نیست.

یکی دیگر از آفات صبر نومیدی است. که ویرانگرترین آفت صبر است. که اگر بر قلب چیره شود، شعله های امید را خاموش می کند. بنابراین، قرآن می کوشد در آیات متعددی افکار غلط و توهّمات و پندارهای نابجا را از اذهان مسلمانان پاک گرداند، و به جای آنها بذر امید در زمین دل مومنان بکارد. در جایی از قرآن می خوانیم:

﴿وَلَا تَهَيُّوْا وَلَا تَحْزَنُوْا وَأَنْتُمْ اٰیَعْلَوْنَ اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ﴾^۲

«خودتان را دست کم نگیرید، و اندوه به دل راه مدهید که شما پیروز و برنده هستید به شرط آن که پای بند ایمانتان باشید.»

با توجه به مطالب یادشده انسان برای صبر شدن باافاتی چون شتابزدگی، خشم، افسردگی و ناامیدی، باید مبارزه کند تا بتواند در جلگه صبوران قرار گیرد.

امامان معصوم «علیهم السلام» الگوهای واقعی صبر هستند، فرازهایی از صبر ایشان را می توان در هنگام رحلت پیامبر «صلی الله علیه و آله وسلم» و حوادث تلخ بعد از آن و هنگام شهادت جانگداز حضرت زهرا «سلام الله علیها» و... مشاهده نمود.

یکی از این الگوهای صبر علی علیه السلام است که در مواجهه با حوادث روزگار می فرماید:

﴿فَرَأَيْتَ اِنْ الصَّبْرَ عَلٰی هَآئِذَا اِحْجٰی، فَصَبْرَتْ وَفِی الْعَيْنِ قَدْرٌ وَفِی الْخَلْقِ شَحٰی﴾^۳

«سرانجام دیدم صبر و شکیبایی به عقل و خرد نزدیکتر است، از این رو صبر کردم با اینکه (بر اثر فشار حوادث تلخ) همچون کسی که خاشاک چشمش را پر کرد، و استخوان، راه گلویش را گرفته است.»

ممکن است که کسی بگوید الگوهایی که بیان شد معصوم اند و ما را نرسد که چنین باشیم.

در جواب می گوئیم البته مقایسه غیر معصوم با معصوم نشاید، و نباید بشود. اما در عین حال می توان زندگی آنان را سرلوحه و سرمشق قرار داد و خود را به آنان نزدیک نمود و بودند و هستند کسانی که با سرمشق گرفتن از معصومین در صبر و مقاومت و پایداری

۱ - انبیاء/۸۷

۲ - آل عمران/۱۳۹

۳ - نهج البلاغه، خطبه ۳

الگو شدند. و خداوند برای اینان به خاطر صبرشان پاداش عظیم قرار داده، که در اینجا به یک نمونه از پاداشی که خداوند برای صابران قرار داده است اشاره می کنیم.

پاداش صبر بر فقر و نداری:

در روز قیامت شهدائی را که برای برافراشتن، پرچم دین و توسعه‌ی حق و حقیقت شربت شهادت نوشیده اند امر به داخل شدن بهشت می نمایند، همین که وارد می شوند عده ای را می بینند که در مقام ارجمندی قبل از آن ها جاگرفته‌اند. عرض می کنند خداوندا، ما فرزندان خود را یتیم کردیم و جان را فدا ساختیم این ها به چه عملی پیش از ما وارد بهشت شده اند؟ خطاب می رسد، ایشان مستمندان و تنگدستان آل محمد «صلی الله علیه و آله وسلم» شما در تمام عمر یک بار به شمشیر کفار شهید شدید، در صورتی که این ها روزی صدمبار به تیغ ابتلاء و تیر امتحان کشته می شدند. مرتبه‌ی شهادت به مقام والای آن ها نمی رسد.^۱

و نیز باید متذکر شد که یکی از عوامل پیروزی و بقاء انقلاب اسلامی صبر و استقامت است. باشد این انقلاب به انقلاب جهانی ولی عصر متصل شود. ان شاء الله

والسلام

«فهرست منابع و مآخذ»

❁ قرآن کریم

- ۱- اصفهانی، راغب، مفردات فی الالفاظ القرآن، ۱۴۰۴ق، بی‌جا
- ۲- الدین هندی، علاء الدین علی المتعتی بن حام، کنز العمال، مؤسسه آل البيت
- ۳- اللیثی الواسطی، علی بن محمد، عیون الحکم الموعظ، بی‌تا، بی‌جا
- ۴- تمیمی آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم، محمد علی انصاری، تهران، ۱۳۷۸
- ۵- سیر رضی، ابوالحسن محمد، نهج البلاغه فیض الاسلام، ۱۳۹۲ق، ۱۳۵۱ش
- ۶- کاشانی، ملافتح الله، منهج الصادقین، ندای اسلام، بی‌تا
- ۷- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، بیروت، چاپ چهارم، ۱۴۰۱ق